

به قلم: گری اینریگ
ترجمه از: فریدون موخوف

تعمید در آب

از کتاب «حیات در بدن او»

یک کشیش بابتیست (تعمیدی) در حین سخنهای خود جماعت را تشویق و با این جملات از آنها دعوت می نمود: «بپایید، فرزندان من. بگذارید گناهان شما همه شسته شوند.» در این هنگام یک نفر از میان جماعت گفت: «مال من شسته شده است جناب کشیش، در کلیسای متدیست!» در این لحظه صدای برادر جونز خشن شد و با لحنی شدید گفت: «شما شسته نشده‌اید، خشکشویی شده‌اید!»

تمامی کسانی که عهد جدید را می خوانند، کاملاً با این حقیقت روبرو هستند که تعمید در آب جای بسیار مهمی در زندگی و عمل کلیسای اولیه قرار داشت. با این وجود آنچه که روزی مایه اتحاد در بین مسیحیان بود، اینک بیشتر باعث جدایی و شقاق و گوناگونگی در تعلیم و عمل است. برخی از کلیساها بچه‌ها را هم تعمید می دهند، حال آنکه برخی کماکان به تعمید ایمانداران چسبیده‌اند. برخی از کلیساها به صورت پاشیدن آب تعمید می دهند و برخی با ریختن آب بر سر و برخی دیگر با فرو بردن ایماندار به زیر آب. برخی از مسیحیان به این گمان هستند که فرد تعمید نگرفته به هیچ عنوان به آسمان راه نخواهد یافت، حال آنکه برخی دیگر تعمید را وسیله‌ای جهت خلقت تازه گمان دارند و عده‌ای دیگر هم آن را صرفاً به عنوان یک سمبل تلقی می کنند.

از میان این دیدگاه‌های مختلف رسیدن به یک نقطه روشن امری غیرممکن به نظر می رسد. با اینحال مطالعه دکتربین تعلیم در کتابمقدس این مطلب را با مطرح کردن چهار سؤال و جواب ساده می کند:

۱- تعمید چگونه صورت می گیرد؟

۲- چه کسی تعمید می گیرد؟

۳- تعمید چه معنایی دارد؟

۴- چرا باید تعمید بگیریم؟

تعمید چگونه صورت می گیرد؟

گرچه تعمید در حال حاضر به سه صورت فروبردن کامل در آب و یا ریختن آب بر سر و یا پاشیدن آب صورت می‌پذیرد، لیکن در این دکترین این گوناگونی به هیچ عنوان سوال اصلی نیست. این سخن به این معنی نیست که شیوه انجام تعمید مهم نیست. نه! این مطلب را از آن جهت می‌گویم، چرا که سوالات دیگری هم هستند که فشار آنها از این یکی به مراتب بیشتر است. کلمه «تعمید» و تعمید گرفتن از واژه یونانی «بتیسو» و «بتیسم» مشتق شده است. کلمه «بتیسو» در ادبیات اولیه یونانی بیشتر به کار می‌رفت و معنی آن «فرو بردن» بود، درست به همان شکل که برخی از ما هنگام چای خوردن، قند را در چای فرو برده و در دهان می‌گذاریم. بدین ترتیب اگر قایقی غرق می‌شد و به زیر آب می‌رفت، برای بیان این واقعه از لغت بتیسو استفاده می‌کردند که به فارسی انگار بگوییم: «تعمید گرفت.» زمانی که کسی در آب غرق می‌شد و یا در خزینه استحمام می‌کرد، برای بیان آن اغلب از واژه بتیسو استفاده می‌شد. بنابراین معنی خود کلمه بیشتر موافق این شیوه است که شخص به طور کامل به زیر آب برده شود.

در ترجمه سپتواجت، که ترجمه یونانی عهد عتیق است، کلمه بتیسو فقط دوبار در تمامی کتابهای آن استفاده شده است. در ۲ پادشاهان ۵: ۱۴ این کلمه در مورد نعمان به کار رفته است که خود را هفت بار در آب رود اردن فرو می‌برد، عملی که مطمئناً در آن نعمان کاملاً به زیر آب می‌رفت. در اشعیا ۲۱: ۴ این کلمه به شکل مجازی به کار رفته «... و دهشت مرا فرو گرفته است.» در کتابهای غیر الهامی (آپوکریفا) هم این واژه دو بار به کار رفته است که در هر دو آن منظور استحمام می‌باشد (جو دیت ۱۲: ۲، سیراخ ۳۴: ۲۵). علاوه بر آن، یهودیان در زمان عهدجدید افرادی را که به یهودیت می‌گرویدند، تعمید می‌دادند. همانطور که محقق یهودی «ایسرائیل آبراهامز» در این مورد می‌نویسد: «جای هیچ شبهه نیست که تعمید یهودی در قرن اول میلادی به صورت فرو بردن کامل بدن در آب صورت می‌گرفته است.» آر.ئی.او. وایت در رابطه با تعمید آنهایی که به یهودیت می‌گرویدند، این مطلب را اضافه می‌کند که یحیی تعمید دهنده این شکل از تعمید را ادامه داده و مردم را به آن تعلیم می‌داد.

« میزان گنجایش حوض تعمید مذکور در تلمود (حدود ۱۰۰ گالون) به خوبی نشان می‌دهد که تعمید اشخاصی که به یهودیت می‌گرویده‌اند به صورت فرو بردن کامل آنها در آب بوده است. در این امر لباس از تن بدر بود و بیشتر همان مدلی را که در لاویان می‌خوانیم، دنبال می‌کردند.»

بنابراین فرو بردن کامل بدن نه فقط معنی بنیادین واژه بتیسو است، بلکه عملی هم بوده است که یهودیان بدان مبادرت می‌ورزیده‌اند و مسیحیان اولیه با آن کاملاً آشنا بوده‌اند.

با اینحال این واژه چه در ادبیات غیر مذهبی و چه در عهد جدید به معنی فرو رفتن کامل در آب نبوده است. این کلمه به شکل مجازی در مواقع تعمید در روح‌القدس (متی ۳: ۱۱ و ۱۴، مرقس ۱: ۸، یوحنا ۱: ۳۳، اعمال ۱: ۵، اقرن ۱۲: ۱۳) و در موقع مرگ مسیح (مرقس ۱۰: ۳۸ و ۳۹، لوقا ۱۲: ۵۰) هم به کار رفته است. در لوقا ۱۱: ۳۸ تعمید صحبت از آیین شست و شو می‌کند که شاید قرار دادن بازوان در آب را شامل می‌شده است. در عهد جدید نمونه‌ای در دست نیست که در آن واژه بپتیسو به کار رفته باشد و فرو رفتن کامل بدن در آب مناسبت نداشته باشد. از آن گذشته زبان یونانی برای پاشیدن آب بر سر (رانتیزو) و ریختن آب بر سر (ایپیکو، پراسکوسیس) واژه‌های واضح و روشنی دارد که از آنها استفاده نشده است. و نیز در مواقع تعمید در عهد جدید روی موجود بودن آب مکفی تأکید می‌گردد (مرقس ۱: ۹ و ۱۰، یوحنا ۳: ۲۳، اعمال ۸: ۳۶ - ۳۹)، حقیقتی که دیگر لازم نمی‌نمود، اگر قرار می‌بود که تعمید به صورت ریختن و یا پاشیدن آب بر سر صورت گیرد. «سوسی» توجه ما را به آنچه که در اعمال ۸: ۳۶ آمده است، جلب می‌کند، به جایی که خواجه‌سرا زمانی برای تعمید درخواست می‌کند که به میزان متنابهی از آب می‌رسند و می‌گوید: «مطمئناً خواجه‌سرا در کاروان خود به اندازه کافی آب داشت که با آن بتوان تعمید را هر وقت که می‌خواست با پاشیدن و یا ریختن آب بر سر انجام داد.»

در دوره آغازین قرن دوم «دیداخه» (تعالیم دوازده حواری) در رابطه با تعمید دستورالعمل‌های دقیقی داد. در این نوشته دستورالعمل چنین آمده است که تعمید باید در آب جاری صورت پذیرد. و اگر آب جاری در دسترس نباشد، از آب سرد استفاده گردد، و در نهایت می‌توان از آب گرم استفاده کرد. اگر کمبود آب بود، آنگاه می‌توان آب را سه بار به سر ایمانداران ریخت.

از این رو، بی‌هیچ شبهه‌ای فرو بردن کامل بدن در آب شیوه مرسوم تعمید بوده است. علاوه بر آن، از آنجا که برای ریختن آب بر سر واژه دیگری به کار رفته است (اکچه‌او)، کاملاً واضح است که واژه بپتیسو جهت بیان آن معنی به کار نرفته است.

با توجه به شواهد مختلف بالا کلیسای عهد جدید بدون شک تعمید را به شکل فرو بردن کامل بدن در آب انجام می‌داده است. و تنها به همین شیوه است که معنی و سمبول کتابمقدسی آن جامه عمل می‌پوشد. چنانکه جان کالون هم می‌گوید: «همین کلمه تعمید (بیتیسم) خود مشخص کننده فرو بردن کامل بدن است. و یقین کامل وجود دارد که کلیسای قدیم تعمید را به شکل فرو بردن کامل بدن در آب انجام می‌داده است.»

چه کسی تعمید می‌گیرد؟

این سؤال که «چه کسی تعمید می‌گیرد»، به مراتب اساسی‌تر از شکل انجام تعمید است. قرن‌هاست که ایمانداران فرزندان خردسال خود را تعمید می‌دهند. ولی آیا کتابمقدس این امر را تأیید می‌کند؟ تعمید کودکان در الهیات جدید به مطلب داغی تبدیل شده و برای دکتربین کلیسا نتایج مهمی بار آورده است.

شکلی نیست که عهد جدید در رابطه با این سؤال فقط و فقط تعمید ایمانداران را مجاز می‌داند. تعمید کودکان را نمی‌توان به عنوان مطلبی که کتابمقدس به آن صحه گذارد، مطرح نمود. به آیات زیر توجه کنید:

متی ۲۸: ۱۹ «پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید دهید.» تعمید برای ایمانداران بالغ است که قادر به دریافت تعلیم هستند.

اعمال ۲: ۴۱ «پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند.»

اعمال ۸: ۱۲ «اما چون به بشارت فیلیپس درباره پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح ایمان آوردند، همگی، مرد و زن، تعمید یافتند.»

در اعمال ۸: ۳۵ - ۳۹ گرچه آیه ۳۷ در بسیاری از متون یونانی اصیل یافت نمی‌شود، شکلی نیست که خواجه‌سرا قبل از تعمید ایمان آورده بوده است.

اعمال ۹: ۱۸ «همان دم چیزی مانند فلس از چشمان سوگس افتاد و او بینایی خود را بازیافت و برخاسته تعمید گرفت.» می‌بینید که ایمان آوردن قبل از تعمید صورت می‌گیرد.

اعمال ۱۰: ۴۷ «حال که اینان روح‌القدس را درست همانند ما یافته‌اند، آیا کسی می‌تواند مانع از تعمیدشان در آب گردد؟»

اعمال ۱۶: ۱۴ و ۱۵ «در میان آنان زنی خداپرست از شهر تیاتیرا بود که به سخنان ما گوش فرا می‌داد. او لیدیه نام داشت و فروشنده پارچه‌های ارغوان بود. خداوند قلب او را گشود تا پیام پوگس را بپذیرد. چون او با اهل خانه‌اش تعمید گرفت.»

اعمال ۱۶: ۳۳ و ۳۴ «در همان ساعت از شب، زندانبان آنها را برداشته، زخمه‌ایشان را شست، و بی‌درنگ او و همه اهل خانه‌اش تعمید گرفتند. او ایشان را به خانه خود برد و سفره‌ای برایشان گسترد. او و همه اهل خانه‌اش از ایمان آوردن به خدا بسیار شاد بودند.»

اعمال ۱۸: ۸ «اما کریسپوس، رئیس کنیسه، با تمام اهل خانه‌اش به خداوند ایمان آوردند. همچنین بسیاری از اهالی قُرنتس چون پیام را شنیدند، ایمان آورده، تعمید گرفتند.»

اعمال ۱۹: ۴ و ۵ «پوگس گفت: تعمید یحیی، تعمید توبه بود. او به قوم می‌گفت به آن که پس از او می‌آمد ایمان بیاورند، یعنی به عیسی.

چون این را شنیدند، به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند.»

بر اساس آیات فوق جای هیچ باقی نمی ماند که ایمان آوردن امری بود که قبل از تعمید صورت می گرفت. این سخن صحیح است که بر اساس روایت کتاب مقدس، در دوره رسولان هر که ایمان می آورد، تعمید می گرفت. چنانکه مفسر و محقق بزرگ اف.اف. بروس می نویسد: «ایده فرد مسیحی تعمید نگرفته چیزی نبود که کلیسای عهد جدید را خوشایند باشد.»

این سخن هم صحیح است که در عهد جدید هیچ جایی سخن از تعمید کودکان نرفته است. از این رو نیز «بی بی وارفیلد» نظری قدری پرت را ارائه داده و می گوید: «برای تعمید کودکان نباید مطلب را در عهد جدید جست، بلکه در عهد عتیق!» سخن کورت آلد نیز صحیح است که بعد از تحقیق و مطالعه بسیاری از متون ادبیات کلیسای اولیه می نویسد: «تا قبل از سال ۲۰۰ میلادی هیچ مدرکی نمی توان یافت که بتواند تعمید کودکان را ثابت کند.»

آنهایی که در تأیید تعمید کودکان مباحثه می کنند، بر سه مطلب پافشاری دارند. اولین مطلب این است که معتقدند تعمید برای قوم جای ختنه را که نشانه عهد بود، گرفته است. آیه ای که فکر می کنند این ایده را حمایت می کنند، کولسیان ۲: ۱۱ و ۱۲ می باشد. لیکن نوشته انتقادی آر.ئی. او وایت در این امر قابل توجه است.

«خود همین باور که تعمید جای ختنه را گرفته است، جای بسی شبهه دارد. مطمئناً در نظر یهودیان این دو آیین با هم یکی نبوده اند و هر دو آنها از کسانی که به یهودیت می گرویدند، طلب می شده است. خود مسیح، تمامی اعضای کلیسا از پنطیکاست تا کورنلیوس همه هم ختنه شدند و هم تعمید گرفتند. در مورد تیموتائوس هم بعد از تعمید همینطور (اعمال ۱۶: ۳). «امری که قابل درک نمی باشد اگر فرض کنیم که پولس بر این باور بوده است که تعمید جای ختنه را گرفته است.» (ح. مارتین). مسیحیان یهودی نژاد دست از ختنه فرزندان خود برداشتند... پولس در هیچ جا روی این مطلب صحبت نکرده که تعمید جای ختنه را گرفته است، حتی در جاهایی هم که بیان چنین مطلبی به سخن او کمک فراوانی می بوده است تا غیریهودیان را با یهودیان در عهد مساوی قرار دهد و یا با به این طریق با نظریه لزوم ختنه برای مسیحیان مبارزه کند. در نهایت، اعلان اینکه تعمید جای ختنه را گرفته است، مطلبی بوده که فی الفور در شورای اورشلیم مطرح می گشته است، لیکن هیچ اشاره ای به این مطلب نیست که هیچ یک از طرفین آن را مطرح کرده باشند...»

دومین مطلبی که طرفداران تعمید کودکان در تأیید این مطلب می آورند، این است که می گویند انکار تعمید کودکان در واقع رد کردن دعوت مسیح در متی ۱۹: ۴ است که «عیسی گفت: «بگذارید کودکان نزد من آیند و ایشان را بازمدارید، زیرا پادشاهی آسمان از آن چنین کسان است.» گفته

شده است که یک نفر از کلیسای اسقفی با یک نفر از کلیسای باپتیست بحث می‌کرد و آیه بالا را دائم دلیل می‌آورد تا تعمید کودکان را توجیه کند. شخص باپتیست در جواب او از مزمور ۱۳۶: ۲۰ نقل قول می‌کند: «و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او تا ابدالابد است.» فرد اسقفی از او می‌پرسد که این آیه چه ربطی به تعمید کودکان دارد. فرد باپتیست جواب می‌دهد: «هیچی. درست مثل مال تو!» شاید منصفانه نباشد که ما با امری چنین جدی بدین شکل برخورد کنیم، ولی واقعیت این است که آیه متی ۱۹: ۴ هیچ ربطی به تعمید کودکان ندارد. تعمید ایمانداران مسلم است که دعوتی را که از کودکان به جهت نجات می‌آید، رد نمی‌کند!

آخرین بحث این گروه در تأیید تعمید کودکان اشاره به آیه‌هایی است که در آنها عبارت «اهل خانه» آمده است، آیه‌هایی چون اعمال ۱۶: ۱۴ و ۱۵ و ۳۳ و ۳۴ و اقرنتیان ۱: ۱۶. در هیچ کدام از این آیات تعمید کودکان بالاخص ذکر نشده است و در اعمال ۱۶: ۳۴ بطور واضح بیان می‌شود که زندانبان فیلیپی «و همه اهل خانه‌اش از ایمان آوردن به خدا بسیار شاد بودند». علاوه بر آن، در اعمال ۱۸: ۸ تمامی اهل خانه کریسپوس (که شامل خادمین و بچه‌ها هم می‌شد)، ایمان آوردند. در مورد لیدیه (اعمال ۱۶: ۱۴ و ۱۵) ذکری از شوهر او به میان نمی‌آید. مسلماً لیدیه یا شوهر نداشته و یا اینکه بیوه بوده است و امکان اینکه فرزندی کودک داشته باشد، بعید به نظر می‌رسد. در هیچ کدام از مواردی که در آنها تعمید کل «اهل خانه» آمده است، چیزی نیست که نشان دهد که در آنها شیوه ایمان آوردن قبل از تعمید رعایت نشده است.

هیچ بحثی در رابطه با تعمید کودکان وجود ندارد که بتواند قانع کننده باشد. شواهد واضحی که در این مورد در عهد جدید وجود دارد و نیز ماهیت خود تعمید هر دو تعمید ایمانداران را حمایت می‌کنند. بعلاوه، تعمید در کلیسایی که رسولان خدمت می‌کردند، همیشه بعد از اعتراف به ایمان بی هیچ معطلی صورت می‌پذیرفت. به این دلیل است که عهد جدید ایده فرد مسیحی تعمید نیافته را نمی‌پذیرد. سخن ح. ویلر در این مورد چقدر بجاست که می‌گوید: «پولس هرگز با مشکل ایماندار تعمید نیافته روبرو نگردید.»

تعمید چه معنایی دارد؟

در رهیافت به ویژگی این آیین، مهم است که دو کاربرد کلمه «تعمید» را در عهد جدید از یکدیگر تشخیص دهیم. تعمید در روح‌القدس عملی است که روح‌القدس با انجام آن همه ایمانداران را در بدن مسیح قرار می‌دهد (اقرن ۱۲: ۱۳). این امر زمانی روی می‌دهد که فرد به مسیح ایمان می‌آورد و انجام آن وعده خداوند عیسی مسیح است (متی ۳: ۱۱، ۱۴ به موازات اعمال ۱: ۵). پنطیکاست

در واقع روز تولد کلیسا (اعمال ۱۱: ۱۵ - ۱۷) و اولین تجلی کار تعمید در روح القدس بود. بدین ترتیب توسط تعمید در روح القدس ما با مسیح و بدن او یکی می شویم. این همان کار خداست که رومیان ۶: ۱ - ۱۰ و دیگر آیات مشابه به آن اشاره دارند.

تعمید در آب سمبل مشهود و ظاهری تعمید در روح القدس است. و بخاطر همین واقعیت هم هست که اینقدر نزدیک به هم استعمال می شوند تا این رابطه نزدیک بین واقعیت روحانی را با جنبه مشهود آن نشان دهند. به چند مورد باید توجه داشت:

۱- ضروری نیست که برای دریافت روح القدس، در آب تعمید گیریم، چنانچه در تجربه کورنلیوس می بینیم (اعمال ۱۰: ۴۳ - ۴۸).

۲- ضروری نیست که برای بخشش گناهان در آب تعمید گیریم (اعمال ۱۰: ۴۳ - ۴۸).

۳- با اینکه تعمید در آب با بخشش گناهان و تعمید در روح القدس رابطه بسیار نزدیکی دارد، ولی وسیله کسب بخشش به جهت گناهان و دریافت روح القدس نیست. اما از آنجا که اعتراف به ایمان فرد بلافاصله با تعمید او در آب همراه بود که بدین وسیله اعتراف به ایمان خود را به صورت مرئی بیان دارد، زمان تعمید در روح القدس و تعمید در آب تقریباً همزمان بوده اند.

تعمید در آب کسی را نجات نمی دهد. کلام خدا دائماً بر این مطلب صحه می گذارد که نجات تنها و صرفاً بر اساس و از طریق مرگ کفاره کننده مسیح است. فقط اوست که می تواند گناهان را بشوید و به انسان حیات جاودان عطا کند. توسط اوست که با مسیح یکی می شویم و نتایج مرگ او و حیات در قیام او به ما عطا می گردد.

آن آیاتی که به نظر تعمید را در امر نجات به طریقی مربوط می نمایند، اگر تعمید را بنیاد به جهت نجات قرار می دهند، بدرستی درک نشده اند. تعمید صورت مشهود و مرئی و ظاهری اعتراف به ایمان است که در عمل بیان می شود نه در حرف. بدون ایمان تعمید در آب ارزشی ندارد. زمانی که ایمان واقعی و اصیل است، تعمید تجلی دراماتیک آن واقعیتی است که در درون انسان صورت می گیرد. در زمان رسولان، اعتراف به ایمان و امتناع از گرفتن تعمید، واقعیت آن اعتراف را در شک قرار می داد. «تعمید» ما را نجات می دهد (۱ پطرس ۳: ۲۱) به همان اندازه مصداق دارد که حلقه در انگشتان یکدیگر کردن ما را مزدوج می نماید. این حلقه عروسی نیست که ما را با همسرمان پیوند می دهد اگر با این سخنان همراه نباشد که «با این حلقه تو را ... به ازدواج خود درمی آورم.» حلقه نشانه مشهود عشق متعهدی است که به یار خود داریم، درست به همان شکل که تعمید نشانه مشهود ایمان ما به عیسی مسیح است که در حضور خدا، مومنین، و دنیا صورت می پذیرد. تعمید

بیان ایمان ما به خداست که از وجدان خوب سرچشمه می‌گیرد، وجدانی که توسط عیسی مسیح خداوند از خطا و تقصیر شسته شده است (۱ پطرس ۳: ۲۱).

بخاطر هدفی که خداوند در تعمید دارد، نمی‌توان آن را از زندگی مسیحی جدا کرد. چرا که اینکار به همان اندازه غریب می‌نماید که سوگند ازدواج را از دادن حلقه به یکدیگر جدا کنیم. نشانه مرئی و واقعیت غیرمرئی به شکلی بسیار عالی به همدیگر جورند. تعمید در آب، بر اساس کلام خدا، آیین نخستین ورود به زندگی مسیحی و جامعه مومنین است. تا بدینجا دریافتیم که تعمید در آب عملی است که مسیحیان همه جهان بدان عمل می‌کنند؛ اینکه هر فرد ایماندار بطور کامل به زیر آب برده می‌شود. از آنجا که شرایط برای ورود به کلیسای محلی و یکی شدن در بدن مسیح یکی است، تعمید نشانه مشهود ورود به جامعه مومنین نیز به شمار می‌رود.»

چرا باید تعمید بگیریم؟

تا بدینجا باید دیگر معلوم باشد که چرا مسیحیان باید تعمید بگیرند. به شکل خلاصه:

- ۱- خداوند عیسی مسیح در متی ۲۸: ۱۶ - ۲۰ به طور ویژه به انجام آن امر می‌کند. تعمید عملی است که عیسی آن را مستقیماً به شاگرد او بودن مربوط می‌کند و بر ما درک این مطلب لازم است که نمی‌توانیم شاگرد مسیح باشیم و در عین حال تعمید را رد کنیم.
- ۲- تعمید امری است که گرفتن آن را رسولان به هر فرد ایماندار امر می‌کنند. پولس از کورنلیوس صرفاً نخواست که در آب فرو روند، بلکه «دستور داد تا ایشان را در نام عیسی مسیح تعمید دهند.» (اعمال ۱۰: ۴۸).
- ۳- ماهیت تعمید به عنوان تعهد ما به خدا (۱ پطرس ۳: ۲۱) و اعلان مشهود و دراماتیک ایمان ما به مسیح، انجام آن را به عنوان آیین آغازین ایمان مسیحی امری ضروری می‌نماید.
- ۴- این امر توسط کلیسای اولیه انجام می‌شد، تا به آن حد که کوچکترین سخنی از ایماندار تعمید نگرفته در دست نداریم.

لیکن در تأکید امر تعمید نباید بیش از حد پافشاری کرده به افراط کشیده شویم. اگر تعمید برای نجات ضروری می‌بود، پولس نمی‌توانست منشی را که از او در قرن ۱: ۱ - ۱۷ می‌بینیم، از خود نشان دهد. و زمانی که خود خداوند عیسی تعمید گرفت و شاگردان او هم به امر تعمید مبادرت ورزیدند (یوحنا ۴: ۱ و ۲)، لیکن در مورد معنی و ارزش تعمید مسیحی دستورالعمل مشخصی داده نشد و در ماموریتی که آن دوازده رسول و یا آن هفتاد نفر به آن ارسال شدند، دادن تعمید

شامل نگردید. (و تا آنجا که می‌دانیم) از ایمان آورندگان چون لاوی، زگی، و مریم مجدلیه انجام آن طلب نشد. با این وجود، نه این سخن که تعمید صرفاً آیینی ظاهری است و نه اصرار بر این که تعمید جهت نجات ضروری است، می‌تواند از اقتدار بدون چون و چند تعمید بکاهد. ایمانداری که تعمید نیافته است، در وضعیتی خارج از قانون الهی قرار دارد. مسلماً نجات را دارد. لیکن دستور مستقیم منجی خود را ندید گرفته و از عمل غنی و پرمعنی کتابمقدسی آن محروم مانده است. بر اساس تعلیم کتابمقدس شخصی که به مسیح ایمان می‌آورد، هر چه سریعتر باید تعمید بگیرد و زندگی‌ای در پیش گیرد که در اطاعت از خداوند اوست. اکنون کلامی که برای هر فرد ایماندار باقی است، این است: «حال منتظر چه هستی؟ برخیز و تعمید بگیر.» (اعمال ۲۲: ۱۶).